

# برجام و ضمانت‌های برای حفظ آن

## آذر منصوری

اول) اصلاح‌طلبان در ضرورت تنش‌زدایی با جهان و اجتناب از تبدیل شدن ایران به کره‌شمالی دوم در ضمن حفظ الزامات استقلال ایران اشتراک‌گفتمانی دارند. اما ترجمه این تنش‌زدایی در ایران ۱۴۰۱ از مسیر استفاده حداکثری از ظرفیت برجام که توافقی چندجانبه است، می‌گذرد. اگر نگاه راهبردی در سیاست خارجی ایران در اولویت قرار داشته باشد، این واقعیت هم باید به خوبی دیده شود که روندی که در منطقه خاورمیانه در حال انجام است، برای ایران، (منافع ملی و امنیت ملی) تهدیدکننده است. امریکا و اسراییل این‌بار همه ظرفیت‌های خود را

به کار گرفته‌اند تا به ائتلافی بزرگ متشکل از کشورهای عربی دست پیدا کنند و طبعاً آنها برای خود نقش رهبری و راهبری این ائتلاف را تعریف کرده‌اند. به ویژه اسراییل که در حال ارتقای نقش خود از بازیگری به بازیگردانی است. هر چند با دولت بایدن بر سر برجام اختلافاتی دارد، اما در شکل‌گیری این ائتلاف بین آنها اختلافی به چشم نمی‌آید. با چنین تحلیلی طبعاً ایران باید با استفاده از همه ظرفیت‌های دیپلماتیک خود نباید بگذارد این ائتلاف شکل بگیرد. هر چندکار آنها نیز با توجه به تجربه‌های پیشین با دشواری‌هایی همراه است. بنابر این برای کاهش این بازیگری و بازیگردانی لازم است که ایران تلاش کند رابطه خود را با عربستان بهبود ببخشد. این دشمنی و تخاصم در راستای هدف مطلوبی است که به ویژه اسراییل در منطقه دنبال می‌کند. اینجا روشن می‌شود که حمله‌کنندگان به سفارت عربستان چطور و چگونه به صورت دیپلماسی ایران چنگ انداختند.

دوم) در جهان امروز و تعریف جدید از روابط بین‌الملل هیچ دوست دائم و هیچ دشمن دائمی وجود ندارد. هر کشوری در چارچوب منافع ملی خود تلاش می‌کند که از ظرفیت‌های جامعه جهانی برای تقویت منافع ملی خود استفاده کند. بنابر این ایران هم نباید خود را از این قاعده مستثنا بداند. شعار نه شرقی و نه غربی در کنار استقلال ایران بود که معنا پیدا می‌کرد؛ به این مفهوم که هیچ کشوری نه اجازه پیدا کند که در امور داخلی ما دخالت کند و نه این فرصت به او داده شود که بخواهد با کارت ایران بازی کند. در موضوع برجام بارها توصیه و

تاکید شده است که وقتی شما توافق چند جانبه‌ای دارید و طرف اصلی تحریم‌ها امریکاست و از قضا تندیروهای امریکا و اسراییل از مخالفان جدی این توافق هستند و دولت ترامپ با یکجانبه‌گرایی این توافق را نقض کرده است، شما باید این یکجانبه‌گرایی را نقد کنید و با دست بالا وارد مذاکره مستقیم با دولتی شوید که خودش شعار احیای برجام را داده است. فرصت‌سوزی چرا؟ چرا برجام را رقیب سیاسی خود دانستید که امروز نتوانید بدنه اجتماعی خود را با آن همراه سازید.

با خود فکر نکردید که وقتی برجام به عنوان یک دستاورد ملی در رقابت‌های جناحی به گروگان گرفته شود، به فردی مانند ترامپ هم این مجوز را می‌دهد که آن را نقض کند. همان‌طور که خیلی‌ها بعد از روی کار آمدن ترامپ تیتراول رسانه‌هایشان این بود که: «ترامپ از برجام خارج شو!»

سوم) اتفاقی که باید به موقع از وقوع آن پیشگیری می‌شد، ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل بود. در واقع بدترین اتفاق برای پرونده هسته‌ای همین ارجاع بود و اتفاق ناگزیر برای دور کردن تهدید قطع‌نامه‌های شورای امنیت و پیشگیری از فعال شدن مکانیزم ماشه شکل‌گیری توافقی چندجانبه مانند برجام بود. واقعیتی که مخالفان برجام از ابتدا آن را نادیده می‌گرفتند یا عمداً به روی مبارک خود نمی‌آوردند.

چهارم (چرا برجام بزرگ‌ترین دستمایه ایران برای دور کردن تهدیدهای شورای امنیت علیه ایران و شکست ائتلافی است که اسراییل برای ایفای نقش بازیگردانی خود در منطقه خاور میانه به دنبال آن است؟ در اینکه سلطه و توسعه‌طلبی و رفتارهای امریکا یکی از عواملی است که ثبات جامعه جهانی را تهدید می‌کند و این کشور موجب جنگ‌ها و منجمله کودتا علیه دولت ملی و قانونی دکتر مصدق داشت، تردیدی وجود ندارد، اما راه به چالش کشیدن این هژمونی لزوماً از جاده هم‌اوردی یا نفی آن نمی‌گذرد. تجربه کشوری مانند مالزی پیش روی ماست. نه شرقی و نه غربی به معنای حفظ استقلال و نفی سلطه است، انجام مذاکره مستقیم با کشوری که طرف اصلی تحریم‌ها علیه ایران است، نه تنها به تایید این سلطه یا نفس شعار استقلال نیست، بلکه استفاده از ظرفیت‌ها و مناسبات جهان کنونی است. خاصه که ایران پایبندی خود را به تعهدات برجام ثابت نموده و می‌تواند در این مذاکرات دست بالا را داشته باشد. چه دلیلی بالاتر از اینکه بزرگ‌ترین مخالف برجام اسراییل است، می‌تواند حتی بر اهمیت این توافق راهبردی برای توقف بازی‌ها و بازیگردانی‌های او در منطقه باشد.

پنجم) با توجه به چالش شورای امنیت و اینکه از ساختاری که

دولت‌های آمریکا دارند، نمی‌توان هیچ تضمین حقوقی که آنها را متعهد به انجام آن کند، در واقعیت وجود ندارد، باید فرصت عهدشکنی را از این ساختار گرفت. چگونه؟ راه‌حلی جز خلع سلاح کردن استراتژیک برای تضمین وجود ندارد. اینکه مذاکره‌کنندگان دولت سیزدهم بتوانند تضمین‌هایی که ضمانت اجرایی داشته باشند در توافق جدید کسب کنند، قابل توجه است. اما طبعاً آنچه که مهم است ضمانت اجراست. اینجاست که باید کشور آمریکا را فقط دولت آمریکا ندید. اینجاست که باید از قدرت دیپلماسی عمومی استفاده کرد و سراغ مردم و نخبگان ضد جنگ و تحریم آمریکا رفت. آنها هستند که در نهایت خواست خود را به دولت‌های آمریکا تحمیل می‌کنند. اما گام اول این همراهی احترام گذاشتن به نمادهای ملی و هویتی کشورشان است. با شعار مرگ بر آمریکا و آتش زدن پرچم این کشور، عملاً این هویت انکار، نفی و در معرض تهدید قرار می‌گیرد. کافی است این شعار مرگ و سوزاندن پرچم این کشور از دستور کار کنار گذاشته شود. این آغاز دوستی با مردم کشوری است که قاطبه آنها با هر نوع جنگ و آتش افروزی کشور خود علیه کشورهای دیگر مخالفند. کاری که ماهاتیر محمد هوشمندانه آن را به نفع کشورش به انجام رساند.

منبع: [www.iranpress.com](#) 30 آبان 1401